



# معرفی کتاب

گزارش ویژه



سال اول، شماره هفتم، ۱۳۸۵

## ۱. آثار الاولیاء

و مأخذ یکجا گردآوری شود. حال بصورت چاپی یا غیر چاپی (خطی).

آثار الاولیاء (فرهنگ اولیاء الله شبه قاره)، / پروفیسور محمد اکرم کرام کرسی هجویری، دانشکده الهیات و علوم شرقی دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۴۲۱ هـ . ق / ۲۰۰۰ م.

در سال ۱۹۸۴، بخش فارسی دانشگاه پنجاب لاهور به سه دانشجوی خود به اسم شمیم فردوس، بلقیس اختر و شاهده پروین، پایان نامه‌هایی دادند به نام فرهنگ اولیاء که در واقع شناسایی منابع خطی و چاپی درباره هر یک از بزرگان دینی است که در شبه قاره بوده‌اند.

بزرگان دین اسلام در شبه قاره خدماتی برای نشر و تبلیغ اسلام انجام داده‌اند. برای انتقال کارنامه‌های این بزرگان به نسل‌های آینده لازم است که شرح حال و علوم و معارفی که درباره این بزرگان است، بصورت منابع

در این کتاب بیش از ۲۶۰۰ مأخذ استفاده شده، که زیر نظر پروفیسور سید محمد اکرم کرام تدوین و چاپ شده است.

مدخل‌های این کتاب بصورت الفبایی می‌باشد که در هر مدخل اسم شخص، تاریخ وفات و محل دفن با منابعی که در دست بوده، ذکر شده است. در انتهای کتاب نیز فهرست منابع آمده است. این کتاب جهت استفاده در دانشنامه‌ها مفید است.

## آثار الاولیاء

ترتیب و تدوین

پروفیسور ذاکر سید محمد اکرم کرام



زیر اہتمام سند حضرت علی اکبر علیہ السلام

کلیه علوم اسلامی و شرقیہ پنجاب یونیورسٹی، لاهور  
۱۳۲۱ھ / ۲۰۰۰ م.

## ۲. انوار العلوم (مثنوی مولانا رومی):

کتاب *انوار العلوم* (مثنوی مولانا رومی)، به همت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور به زبان اردو منتشر شد.

این کتاب ارزشمند توسط محمد عالم امیری، از مترجمان برجسته منطقه به اردو ترجمه شده است. مثنوی مولوی مقبول‌ترین و معروف‌ترین کتاب جهان تصوف و عرفان



است و «انوار العلوم» ترجمه منثور شش دفتر مثنوی مولانا به زبان اردو است. این کتاب متن روان و ساده دارد و در ترجمه لغات عربی، مفهوم عبارت بکار برده شده تا روانی و ساده بودن آن از بین نرود.

### ۳. تاریخ دلگشای شمشیر خانی

تاریخ دلگشای شمشیر خانی، تألیف توکل بیگ، به کوشش دکتر طاهره پروین اکرم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۸۴ هـ. ش.

تلخیص متونی که از نظر کمی دارای حجم بالایی هستند (بخصوص تواریخ) در ادبیات فارسی شواهد متعددی دارد. در این میان تلخیص متون منظوم نیز دارای سوابقی است که برای نمونه *لباب مثنوی* (مختصر مثنوی مولوی به قلم مولا حسین واعظ کاشفی) را می‌توان نام برد؛ یا تذکره *خلاصه الکلام* که حدود هفتاد منظومه فارسی به صورت خلاصه در آن گردآوری شده. اخیراً مختصری از *شاهنامه فردوسی* به قلم توکل بیگ - یکی از نویسندگان و منشیان سده یازدهم هجری در شبه قاره - به تصحیح دکتر طاهره پروین اکرم و توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شده است

که در اینجا قصد معرفی آن را داریم. عنوان اثر بر روی جلد کتاب *تاریخ دلگشای شمشیر خانی* چاپ شده اما خود مؤلف اثرش را خلاصه شاهنامه نامیده است (ص ۳ متن مذکور): «... و این رساله را خلاصه شاهنامه نام نهاد و امید از قاریان ... الخ». ظاهراً نامی که در متن چاپی دیده می‌شود با توجه به عنوان آن در بعضی از دستنویس‌های اثر انتخاب شده و وجه تسمیه آن نیز بر اساس نام «شمشیر خان ترین» یعنی شخصی است که اثر به خواش وی پدید آمده.

در مورد ساختار خود اثر باید گفت که مؤلف، داستان‌های شاهنامه را خلاصه کرده و به صورت منثور در متن آورده است. اما در این خلاصه‌نویسی همیشه به متن اصلی وفادار نیست و بیشتر، منظورش این است که داستان‌ها را به صورت یک حکایت نقل کند، به همین دلیل کارش به حکایت‌های منثور و داستان‌هایی که نقلان و شاهنامه‌خوانان نقل می‌کردند نزدیک می‌شود. اما به هر حال بن مایه اصلی داستان‌ها را حفظ کرده است. در این میان مؤلف هر از گاهی به مناسبت موضوع، چند بیت از شاهنامه را به شاهد می‌آورد و گاه نیز ابیاتی را از خود نقل می‌کند که این اشعار نیز به وزن و سبک شاهنامه سروده شده است، به گونه‌ای که تشخیص آن به سادگی ممکن نیست؛ اینگونه ابیات، همان مواردی است که مصحح در هیچ‌کدام از شاهنامه‌های چاپی آنها را نیافته و آنها را با علامت ستاره مشخص کرده است.

از نظر زبانی، عناصر سبکی نثرهای هندی در این نوشته به خوبی مشاهده می‌شود که گاهی برای خواننده ایرانی ناآشنا به نظر می‌رسد:

«... از آواهای جم و زبان آوری و فصاحت او دختر گمان برد که جمشید شاه که شنیده‌ام همین خواهد بود. خواست تا گمان خود را به یقین آورد، در فکر افتاد. به خاطرش رسید\* که شبیه جم در سر کار پدر من است. همان شبیه را طلب کرد تا به مقابله آن صورت را بشناسد...» (ص ۱۹ متن)

اما در مورد تصحیح متن و شیوه کار مصحح، خود ایشان در پیشگفتار اثر، روش تصحیح را به شیوه التقاطی ذکر کرده است، به این معنی که هر کدام از دو نسخه که





صحیح بوده در متن و ضبط نسخه دیگر به پاورقی منتقل شده با این وجود به دلیل آشنایی اندک مصحح با زبان و ادب فارسی، در بسیاری مواضع صورت اشتباه در متن ضبط شده و شکل صحیح به پاورقی منتقل شده است. به عنوان مثال در بیت زیر:

«مر او را زنی کابلی دایه بود»

که افسون و نیرنگها را مایه بود»

(ص ۱۶ متن)

چنانکه دیده می‌شود واژه «نیرنگها» در مصرع دوم وزن را دچار اختلال می‌کند، در حالی که صورت صحیح آن (نیرنگ) در نسخه دوم ایشان (با اختصار «ت») به درستی ضبط شده که مصحح آن را به پاورقی منتقل کرده است. مصحح در پیشگفتار متذکر شده است که ابیات موجود در متن را - علاوه بر نسخه‌های خود اثر - با تعدادی از چاپ‌های شاهنامه (پنج چاپ از جمله چاپ مسکو) نیز مقابله کرده است که برخی پاورقی‌ها هم آن را تأیید می‌کند. ولی در کل، آنچه به عنوان حاصل کار رویاروی خواننده است نشانگر عدم دقت در ضبط (یا چاپ و حروفچینی) متن است. به نمونه‌هایی از این ابیات توجه کنید:

«بدین آلت و رای جان و زبان

مردودن (ستود) آفریننده را کی توان»

(ص ۳)

«به نام جهاندار محمود شاه

ابوالقاسم آن فرّ و دهیهم (دیهیم) و گاه»

(ص ۴)

«پسر بود (بُد) مر او را یکی خوبروی

هنزمنند، همچون پدر نامجوی»

(ص ۵)

«به هم برشکنند (برشکستند) درفتادند) هر دو گروه

شدند از دد و دام دیوان ستوه»

(ص ۶)

متأسفانه تعداد اینگونه اشتباهات در متن زیاد است به گونه‌ای که کمتر صفحه‌ای را در متن می‌یابیم که یکی دو مورد از این اشتباهات در آن به چشم نخورد. اگر به فرض، اکثر این موارد را حاصل اشتباه حروفچین بدانیم (که به هر حال مسئولیت نهایی آن متوجه مصحح یا نمونه‌خوان است)، باز هم موارد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد اشتباه از جانب مصحح است. مثلاً عبارت منثور: «او عدل و داد را تازه ساخت، ز بیداد مردم جهان پاک ساخت» به صورت یک بیت در متن وارد شده است:

«او عدل و داد را تازه ساخت

ز بیداد مردم جهان [را] پاک ساخت»

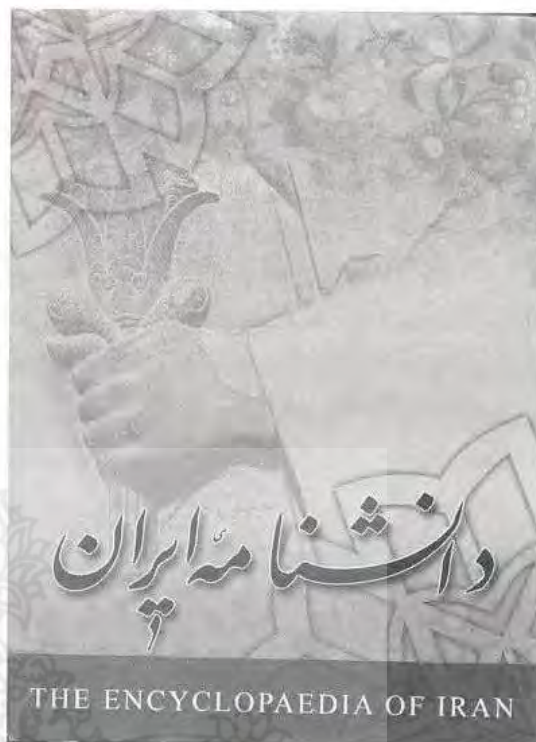
(ص ۷)

با این عبارت: «آنگاه رستم برادر خورد (خود) زواره را فرستاد تا هامون را ... الخ» در پاورقی نوشته شده: ((ت: «برادر خورد» ندارد.)) و این نشان می‌دهد که اشتباه از سوی مصحح است.

به هر حال این چاپ نمونه‌ای از یک چاپ سهل انگارانه از متون فارسی است و با توجه به اینکه آثار چاپ شده مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان بسیار به ندرت به ایران می‌رسد. پس مشخص است که مخاطبان اصلی این آثار مردم پاکستان و خصوصاً دانشجویان ادبیات فارسی در آن خطه هستند و با توجه به اینکه این زبان در آن کشور کاربرد روزمره ندارد، انتشار متون فارسی با این میزان اشتباه، دانشجو و علاقمند به زبان فارسی را گمراه خواهد کرد، لذا بهتر است مسئولان آن مرکز در گزینش آثار و همچنین چاپ آنها دقت لازم را به عمل آورند تا سابقه خوب مرکز (بخصوص در مورد تدوین و انتشار فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان) خدای ناکرده دچار خدشه نشود.

در پایان خاطرنشان می‌کنم که این متن، رساله دکتری مصحح در دانشگاه تهران بوده است.



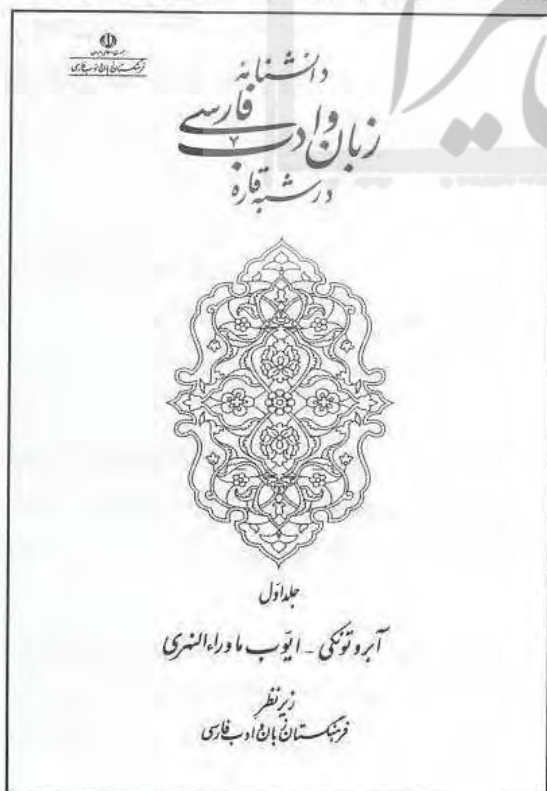


مورد استفاده از هر منبع در بخش مربوط به مأخذ مقاله پس از نام هر مأخذ آمده است.

#### ۵. دانشنامه زبان و ادب فارسی شبه قاره

دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج اول: آبروتونگی - ایوب ماوراءالنهری، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.

با توجه به سابقه ۱۰۰۰ ساله زبان فارسی در شبه قاره و گسترش آن در منطقه از پیشاور تا بنگال و برای زنده نگه داشتن خاطره دلپذیر اقبال و توجه بزرگان آن دیار به ادیبان و شاعران ایران زمین فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جمهوری اسلامی ایران، تدوین «دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره» را به عهده گرفته و به یاری استادان و پژوهشگرانی از کشورهای هند و پاکستان و بنگلادش و ایران این مهم را آغاز کرده است و برای این منظور در فرهنگستان گروهی به نام دانشنامه زبان و ادب فارسی شبه قاره، تأسیس شد و گروهی از استادان و پژوهشگران داخلی و خارجی به کمک فراخوانده شدند. نخستین حاصل کار این گروه جلد اول دانشنامه (آبروتونگی - ایوب ماوراءالنهری) می باشد.



۴. دانشنامه ایران / جلد اول آرا - ادویه؛ زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۸۴.

دانشنامه، معادل فارسی دائرةالمعارف عربی، به مجموعه‌ای اطلاق می شود که اطلاعاتی درباره دانسته‌ها و یافته‌های بشر در اختیار خوانندگان می گذارد. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی که با هدف تدوین و انتشار دائرةالمعارف ها و کتاب های مرجع عمومی بنیاد نهاده شد، تا کنون ۱۳ جلد از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را به زبان فارسی، و ۵ جلد به زبان عربی منتشر کرده است و به زودی ترجمه انگلیسی جلد نخست آن را نیز منتشر خواهد کرد.

دانشنامه ایران، ثمره ۲۲ سال تجربه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است که کاملاً تخصصی می باشد و جنبه عمومی در تمامی شاخه های علوم، فنون و هنرها را در بر می گیرد.

بیشتر مدخلها برگرفته از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و در بسیاری موارد با تلخیص است. در مقاله های تألیف شده نام مؤلف (یا مؤلفان) در پایان مقاله ذکر گردیده است و برای آسانی استفاده، در مقالات کوتاه از ذکر ارجاعات در داخل متن خودداری شده، و شماره صفحه یا صفحات



بیشترین مدخل‌ها را استادان و مولفان شبه قاره تألیف کرده و گروه دانشنامه شبه قاره فرهنگستان ویرایش و آماده سازی این مقالات را بر عهده گرفته است. با انتشار این جلد و جلدهای دیگر تصویر روشن‌تری از گسترش زبان و ادب فارسی در شبه قاره نمایان خواهد شد. در چند سال اخیر علاوه بر دانشنامه‌های عمومی مثل دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام به مدخل‌های مربوط به شبه قاره توجه خاص شده است و دانشنامه‌های مستقل به نام «دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) به سرپرستی حسن انوشه در سه جلد منتشر شده است که اهمیت موضوع را می‌رساند.

۶. **دایرةالمعارف تشیع**، جلد یازدهم (عابد اصفهانی - العیون و المحاسن)، نشر شهید سعید محبی، تهران: ۱۳۸۴

جلد یازدهم این دایرةالمعارف مختص حرف ع است. این دایرةالمعارف در سال ۱۳۶۰ ش شروع به کار کرد، اما پس از چندی که در شرف بسته شدن بود به همت خانم

## دایرةالمعارف تشیع

جلد یازدهم  
عابد اصفهانی - العیون و المحاسن

نشر شهید محبی  
تهران ۱۳۸۴

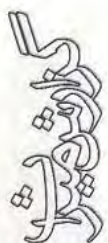
فاطمه فهمیه محبی شروع به کار کرد و از آن پس با بودجه خود آن را اداره می‌کند. این جلد در ۵۵۶ صفحه و شامل مداخلی چون عاد، عاشورا، عام و خاص در اصول فقه، عبادت، عراق، علامه حلی، علی اصغر حکمت، عمار یاسر، عمران، عید نوروز و ... است. این دایرةالمعارف فاقد فهرست اسامی مؤلفان است و در ذیل هر مدخل نام مؤلف ذکر شده است، اما در آغاز کتاب مسئولان و اعضای فنی آن معرفی شده است. این دانشنامه کماکان زیر نظر آقایان حاج سید جوادی، خرمشاهی و فانی است.

۷. **زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی**، نوشته و تنقیح دکتر سید علی موسوی گرماردی (جلد اول: زندگی، جلد دوم: شعر)، موسسه انتشارات قدیانی، ۱۳۸۴ ش (چاپ اول).

موسوی گرماردی این اثر را در زندگی و شعر ادیب نوشته است. جلد یکم آن در ۴۳۴ صفحه و شامل ۶ بخش است که در این بخش‌ها به زندگی خانوادگی، سیاسی - اجتماعی و ادبی او اشاره شده است. در بخش سوم به روزنامه نگاری ادیب و در بخش یکم به زادگاه او و در بخش پنجم به آثار غیر شعری او اشاره رفته است. در بخش آخر نیز نظریات دیگران را راجع ادیب جمع کرده است.

جلد دوم در ۱۳۵۰ صفحه است. در بخش‌های یک تا ۱۶ اشعار ادیب به چکامه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند سرود، غزل، مثنوی و ... تقسیم شده است. در بخش سیزدهم پیوسته فرهنگ فارسی، در بخش چهاردهم نویافته‌ها و در بخش پانزدهم قصاید عربی و در بخش شانزدهم اشعار منسوب به او آمده است. بخش هفدهم در هفت فصل است که مؤلف درباره دشواری‌های شعر ادیب و اصطلاحات به کار رفته در اشعار او توضیح داده است. در بخش هجدهم که ضمایم است در دو فصل کتابشناسی و منابع و تصاویر آمده است.

آقای گرماردی اشعار این اثر را از روی نسخه تصحیح شده وحید دستگردی در ۱۳۱۲ ش، تنقیح کرده است. در مقدمه به منتخبات اشعار ادیب در تهران و تبریز اشاره شده، اما به دیوان دو جلدی ادیب به تصحیح آقای





## اخباری از دمشق

### کتاب المبهج

ابو منصور عبدالملک الثالبی المتوفی سنة ۴۲۹ هـ تحقیق ابراهیم صالح، نشر دارالبشائر فی دمشق، ۱۴۲۰ هـ / ۱۹۹۹ م؛ عدد صفحات الكتاب ۱۳۰،/عتمده ۳ نسخ خطیة: الاولى فی المكتبة السليمانية باستانبول تحت الرقم ۱۸۰۸ ضمن مجموع ضم کتابین هما آداب الملوك و المبهج؛ الثانية فی مكتبة عارف حکمت و هی الآن فی مكتبة الملك عبدالعزيز بالمدينة المنورة ضمن مجموع برقم ۳۱/۸۰؛ و الثانية من مكتبة عارف حکمت ضمن مجموع برقم ۲۲۰ / ۸۰.

### الديباج

إسحاق بن إبراهيم الختلی المتوفی سنة ۲۸۳ هـ، تحقیق ابراهیم صالح، صدرت الرسالة سنة ۱۹۹۴ م، عدد صفحاتها ۱۵۵ صفحة. حققها اعتماداً على مخطوطة المكتبة العمريّة المحفوظة في مكتبة الأسد الوطنية برقم ۱۴۴۷. حديث الإفك ويليّه من مناقب النساء الصحابيات: عبد الغني بن عبد الواحد المقدسي المتوفى سنة ۶۰۰ هـ، تحقیق ابراهیم صالح، ۱۹۹۴ م، عدد الصفحات ۷۸ صفحة.

### کتاب التعازی

ابوالحسن علی بن محمد المدائنی المتوفى سنة ۲۲۴ هـ، تحقیق ابراهیم صالح، ۱۴۲۴ هـ / ۳۰۰۲ م، عن مخطوطة بمكتبة الأسد الوطنية برقم ۳۷۳۸. عدد الصفحات ۱۷۴ صفحة.

فراهانی (۱۳۷۶ ش) هیچ اشاره‌ای نرفته است. در کل با خواندن این کتاب به زندگی و عصر او و مهم‌تر از همه به فهم اشعار او به آسانی دست می‌یابیم.

۸. ترجمه قرآن کریم، انتشارات کلیدر، مترجم: ابوبکر عتیق نیشابوری (سورآبادی)، مصحح: محمد مهیار، نوبت چاپ: نخست، ۱۳۸۴.

ترجمه و تفسیر سورآبادی معروف به تفسیر التفاسیر در حدود سال ۴۷۰ هجری به همت ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی، انجام پذیرفته است. وی مترجم و مفسر کرامی نیشابور است و مذهبش حنفی یا حنبلی است. از این ترجمه و تفسیر نسخه‌های متعددی در دست است. این متن که به نسخه تربت جام شهرت پیدا کرده، شامل یک دوره ترجمه قرآن کریم همراه با گزیده تفسیر است. این اثر یکبار به کوشش مرحوم یحیی مهدوی و مرحوم مهدی بیانی سال ۱۳۳۸ در تهران به چاپ رسیده.

برای این کار ابتدا ترجمه قرآن استخراج و با نسخ مذکور مقابله و موارد افتادگی از دیگر نسخ بر طرف شده است. همچنین رسم‌الخط و آئین سجاوندی و یکدست سازی کلمات از دستور خط مصوب فرهنگستان استفاده و در عین حال ویژگی‌های املائی و آوایی و دستوری نسخه حفظ شده است.

